



مشکلات شهری با سیاسی کاری حل نمی شود

## انتخاب شهردار حق شهروندان!

علیرضا آقائی راد: بسیاری از ناظران سیاسی معتقدند جایگاه و اهمیت پست شهرداری در شهری مانند تهران از بسیاری از وزرا و وزارت خانه ها بالاتر و مهم تر است. اینان شهردار پایتخت را رئیس جمهوری در سطحی پایین تر از رئیس دولت می دانند. همین اهمیت است که در سال های اخیر بحث انتخاب شهردار برای کلاتشهر تهران را تبدیل به یکی از سیاسی ترین بحث ها در سطح مملکت کرده است. ...

۲



مهدی چمران در گفتگو با آیت ماندگار:  
باید جلوی کارهای غیرقانونی گرفته شود

۳

اندر حکایت شورای شهر و روستا

محمد مهدی تندگویان  
عضو شورای اسلامی شهر تهران

- چهار صفحه
- قیمت: ۲۰۰ تومان
- No.5 The second half of Nov.2015
- Political, Social

برزخی میان فدرالیسم و تمرکزگرایی

علی صابری  
وکیل پایه یک دادگستری

۴

- دوهفته نامه سیاسی، اجتماعی
- شماره ۵
- نیمه دوم آبان ۱۳۹۴
- سال اول



ayatmandegar  
biweekly

سرمقاله

### تهران، شهری با مشکلات زیربنایی



مهدی آینی  
کارشناس عمران و شهرسازی

تهران به عنوان یک پایتخت و یک کلان شهر چه پیش از انقلاب و چه بعد از آن هرگز از زیر بار سنگین و رنج آور مشکلات زیربنایی خلاصی پیدا نکرده است. چرا عموماً دولت ها و شهرداران تهران علاقه مند هستند با مسائل فرعی و روبنایی چهره ظاهری شهر را زیبا و فریبنده جلوه دهند و هیچکدام قادر نبوده و یا مایل نیستند در حل و فصل مشکلات اساسی پایتخت اقدام نمایند؟ بنظر می رسد تهران به دلیل مرکز حکومت سیاسی با جمعیت و وسعت نامتعارف و خارج از اندازه معمول هر روز و هر سال مواجه با تشدید مشکلات زیربنایی بوده که بطور منطقی دولت ها و شهرداران از زیر بار مسئولیت حل این مشکلات به عناوین مختلف شانه خالی کرده و فرار نموده اند. بزک کردن و زیبا جلوه دادن تهران با کارهای روبنایی آسانترین کاری است که همواره شهرداران پایتخت به آن مبادرت نموده و از این طریق مانور و خودنمایی کرده اند. رنگ کردن در و دیوار، کاشت گل و گیاه، راه اندازی آب نما و فواره، تعویض مکرر پیاده روها و جدول سازی، روکش آسفالت و نورپردازی نماها و بدنه های شهری از جمله آسانترین کارهایی است که شهرداران پایتخت معمولاً به آنها علاقه نشان داده و به نوعی با آنها مردم ساکن شهر و توریست و تازه واردین را فریب داده اند در حالیکه ابرشهر و کلان شهر تهران امروز از مشکلات اساسی و زیربنایی در زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رنج می برد و عذاب می کشد که ما در اینجا به پاره ای از آنها اشاره می کنیم...

۳ و ۲

یادآوری

### حماسه والفجر ۴

دشت وسیع و دره شیلر میان شهر مرزی بانه و مریوان با فرورفتگی خاصی که از خاک عراق به داخل ایران دارد، در گذشته و در تاریخ جنگ تحمیلی منطقه مهمی به شمار می رفت. بلندی های سورن، سورکوه و کانی مانگا در دهانه این دشت قرار دارند. عملیات والفجر ۴ در سه مرحله و با هدف وصل این بلندی ها به یکدیگر در خط خودی، از روز ۲۷ مهرماه ۱۳۶۲ به مدت ۳۳ روز در منطقه جبهه شمالی سلیمانیه و پنجوین انجام شد و در ۲۷ آبان ماه به پیروزی رسید...



۴



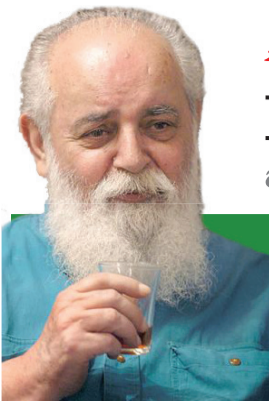
گزارش آیت ماندگار  
از ابر شهری بی هویت:

# نوستالژی تهران رو به فراموشی

۴

۰۰۰۰۰





نشان ماندگار

نشود فاش کسی آنچه میان من و نوست

تا اشارات نظر نامه رسان من و نوست

هوشنگ آبهتاج

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: محمد آیتی
- سر دبیر: امیر حسین مصلی
- مدیر هنری: عالییه اعتمادیان
- پست الکترونیک: ayatemandegar@yahoo.com
- آدرس: تهران - خیابان سئول - کوچه ششم شرقی - پلاک ۲
- تلفکس: ۴-۸۸۶۱۰۰۷۰
- چاپ: نقش افست گرافیک
- پذیرش آگهی: ۸۸۶۱۰۰۷۱

### دیدگاه

#### نوستالژی تهران رو به فراموشی

برخی از مدیران شهری برای نمادهای خاطره‌انگیز تهران ارزش خاصی قائل نمی‌شوند، نمونه‌اش وضع نامناسب نگهداری از چنارهای خیابان ولیعصر و تخریب بافت و خانه‌های قدیمی در مناطقی مانند خیابان لاله‌زار، میدان امام حسین و بسیاری نقاط دیگر در مناطق ۱۱، ۱۲ و ۲۰ تهران است. به نوشته جام‌جم نکته اینجاست که این تخریب‌ها فقط گریبان خانه‌های قدیمی را نگرفته، چون در تازه‌ترین مورد قرار است پله‌های سوم خیابان ولیعصر که درست روبه‌روی پارک ساعی قرار دارد تخریب شود و جای آن را دو دهنه مغازه و دو دستگاه آسانسور بگیرد، پله‌هایی که عمرشان به ۶۰ سال می‌رسد و در همین مدت زمان بسیاری از شهروندان از آنها خاطره دارند. خاطره‌هایی که تا مدتی دیگر نمادی برای زنده شدن آنها وجود نخواهد داشت.

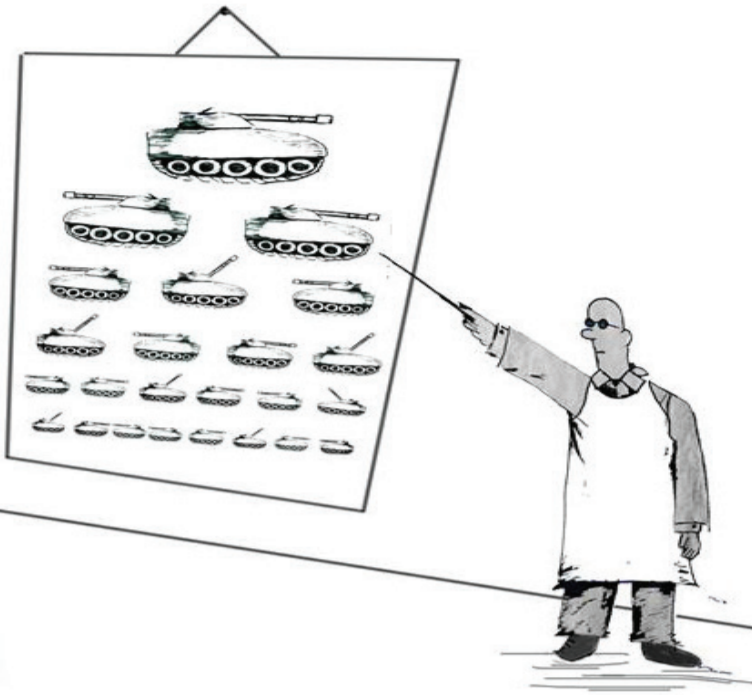
سال ۲۰۱۳ میلادی در آمار یونسکو، ۱۲ شهر به عنوان شهرهای فرهنگی معرفی شدند، جالب اینجاست بیشتر آنها همسایه ایران بودند، اما هیچ وقت از تهران در این باره نامی برده نشد. به گفته احمد مسجدجامعی، عضو کمیسیون فرهنگی شورای شهر تهران مهم‌ترین دلیل تفاوت این شهرها با تهران را می‌توان در توجه به میراث، تاریخ و فرهنگ دانست. واقعیت اینجاست که این غفلت سبب تخریب حدود یک‌سوم آثار تاریخی شده تخریب‌هایی که با افزایش قیمت زمین در تهران سرعت بیشتری به خود می‌گیرد. باید یادآور شد ارزش این پروژه که به پیمانکار سپرده شده و قرار است تا چهار ماه دیگر به سرانجام برسد حدود ۴۵۰ میلیون تومان برآورد می‌شود، در این بین قرار است شهرداری مغازه‌ها را اجاره بدهد با این شرط که افرادی که مغازه‌ها را اجاره می‌کنند از آسانسورها نگهداری کنند. هرچند مسئولان ادعا می‌کنند حسابی روی اجاره این مغازه‌ها باز نکرده‌اند و تنها هدفشان نگهداری از آسانسورهاست، اما باید پرسید اگر قرار است اتفاقی برای آسانسورها بیفتد یعنی اگر شخصی بخواهد آنها را شبانه تخریب کند، مسئولیت با کیست؟

نکته دیگر این که اگر هدف مسئولان شهرداری منطقه ۶ تهران رفاه حال ساکنان این منطقه بوده باشد باید گفت شاید هستند افرادی که استفاده از آسانسور و پله‌برقی را ترجیح می‌دهند، اما تعداد افرادی که به حفظ این دست از نمادهای شهری رای می‌دهند نیز کم نیست و نظر اغلب مردم باید در اجرای چنین پروژه‌هایی در نظر گرفته شود.

#### قدمت شهر را پاک نکنیم

نکته اینجاست که با اجرای این طرح دیگر اثری از پله‌ها باقی نمی‌ماند؛ پله‌هایی که برای بسیاری از شهروندان خاطره‌انگیزانند. به نظر می‌رسد مشکل اصلی در مدیریت شهری این است که برخی از مدیران شهری نمی‌توانند پاسخ درستی برای مسائل پیدا کنند، به همین دلیل صورت مساله را پاک می‌کنند، زیرا براساس اصول شهرسازی هر نمادی که سال‌های سال برای شهروندان خاطره داشته باید حفظ شود. این در حالی است که معماران کنونی شهر باید همان گونه که معماران قدیم مشکلات خود را با شهرسازی تطبیق داده‌اند عمل کرده و برای پیش بردن اهداف خود صورت مساله را پاک نکنند. طراح پروژه اراضی عباس‌آباد تاکید کرد: از نحوه عملکرد برخی از مسئولان شهری می‌توان استنباط کرد که شهرداری سود را در ساخت مغازه‌های تجاری می‌بیند، چون برخی از پروژه‌ها با این هدف اجرا می‌شود.

پله‌های خیابان ولیعصر را باید مانند برج آزادی و یا برج میلاد نمادی از شهر تهران دانست و برای حفظ آنها نهایت دقت و کوشش را به کار گرفت، زیرا همین پله‌ها که برخی از آنها به عنوان مشکل یاد می‌کنند در شهرهای دیگر دنیا مانند سانائوپولوی برزیل برای جذب گردشگر به کار گرفته می‌شود.



### نگاری



مهران مبصری  
کارتون‌نویس



### مشاعره

#### عشق جانانه

در میان باد و باران و تگرگ  
این دو چشم خیره بر دریای توست

در میان بادهای بیقرار  
با وجود دست و پای خسته ام

در گذار زندگی این دل شکست  
ای خدا لطفی بر این دل مرده کن

عشق خود را در دلم جانانه کن  
غصه را با این دلم بیگانه کن

سهیل دستمالچیان



### یادآوری

#### حماسه والفجر ۴

دشت وسیع و دره شیلر میان شهر مرزی بانه و میروان با فرورفتگی خاصی که از خاک عراق به داخل ایران دارد، در گذشته و در تاریخ جنگ تحمیلی منطقه مهمی به شمار می‌رفت. بلندی‌های سورن، سور کوه و کانی مانگا در دهانه این دشت قرار دارند. عملیات والفجر ۴ در سه مرحله و با هدف وصل این بلندی ها به یکدیگر در خط خودی، از روز ۲۷ مهرماه ۱۳۶۲ به مدت ۳۳ روز در منطقه جبهه شمالی سلیمانیه و پنجونین انجام شد و در ۲۷ آبان ماه به پیروزی رسید. حمله ساعت ۲۴ و با رمز یا... یا... یا... در منطقه‌ای به وسعت صدها کیلومتر مربع آغاز شد. نیروها در دو محور بانه و بلندی‌های لری، گرمک، کنگرک و در محور میروان و بلندی‌های پنجونین به نام زله، مارو و خلوزه به پیشروی پرداختند. در مرحله دوم پس از گذشت دو روز از مرحله نخست، بلندی‌های سورن و کانی مانگا و چندین نقطه دیگر آزاد شد، اما بر اثر پاتک‌های دشمن روی قله‌های کانی مانگا، برخی از مناطق دست به دست شد و نهایتاً در اشغال دشمن باقی ماند. مرحله سوم عملیات روز ۲ آبان ماه ۱۳۶۲ به اجرا درآمد. سپاه پاسداران تنها با ۲۵ گردان وارد عمل شد و در مجموع ۱۰۰۰ کیلومتر مربع شامل ۳۰۰ کیلومتر مربع از اراضی ایران و ۷۰۰ کیلومتر مربع از اراضی عراق آزاد شد و معابر نفوذی گروهک‌های نفوذی ضد انقلاب به داخل ایران در دره شیلر مسدود گردید. این عملیات را ۸ تیپ و دو گردان از سپاه و ۱ لشکر پیاده از ارتش به انجام رساندند. فرآیند این عملیات، تصرف پیشرفتگی دشت شیلر، شهر و پادگان پنجونین و گرمک عراق و تسلط بر ۱۳ شهر و روستای عراق، همراه با ۱۹۰۰۰ تن کشته و زخمی و اسیر و نابودی ده‌ها گردان



گروهان کماندویی و مخصوص دشمن بود. دستاورد دیگر این عملیات خارج ساختن شهر میروان از زیر دید و تیر دشمن و فراهم سازی مقدمات عملیات بعدی در استان سلیمانیه عراق بود.

### سخن روز

#### پیوند ناگسستنی حقوق زنان و کودکان



شویا شریف زاده  
پژوهشگر

هرچند که حقوق کودک از آغاز تاریخ فعالیت خود، به مسائل کودکان، بدون در نظر گرفتن جنسیت آنها توجه داشته است، اما در مقابل آن نقض حقوق کودک، جنسیت آنها را هدف قرار داده و از طرق گوناگون به وارد آوردن آسیب‌های روحی، جسمی و جنسی بر کودکان مشغول بوده است. تبعیض‌ها و آزارهایی که دختران به واسطه جنسیتشان با آن روبرو می‌شوند موجب شده است که مسائل آنها، نه مهم تر از حقوق کودکان در

معنای کلی، بلکه چالش برانگیزتر از آن بوده و نیاز به نیروی بیشتری برای مقابله با علل و عوامل بروز آن داشته باشند. این نابرابری‌ها در حوزه‌های گوناگون، از فرصت‌های اجتماعی، آموزش و باورهای فرهنگی تا حقوق قانونی حضور دارد و تلاش در زمینه رفع آنها، عرصه فعالیت مشترک فعالان حقوق زن و هم چنین فعالان حقوق کودک بوده است. کلیشه‌های جنسیتی از مهم ترین عوامل تبعیض علیه دختران هستند که از محیط خانواده آغاز و در اجتماع تشدید و تثبیت می‌شوند. این الگوها - که از کهن ترین الگوهای شکل دهنده رفتار انسان‌ها شناخته می‌شوند- در جوامع گوناگون و به درجات مختلف وجود داشته و هرچند که آموزش‌های فرهنگی و اجتماعی تا حدودی موجبات بهبود آنها را فراهم کرده اند، اما کمتر جامعه‌ای است که با این الگوهای ریشه دوانده، کم یا زیاد، درگیر نباشد. زمانی که در برخی جوامع همچنان شاهد از بین بردن نوزادان

دختر، ختنه دختران، محرومیت از تحصیل، سهمیه‌های آموزشی، ازدواج زودهنگام، گزینش جنسیتی و در خوش بینانه ترین حالت محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی متوجه دختران هستیم، انکار نقش پررنگ این دسته از عوامل در بروز تبعیض‌ها و نابرابری‌های علیه دختران غیرممکن به نظر می‌رسد. از این رو هرچند که حک و اصلاح قوانین مرتبط با این گروه از کودکان لازم است، اما کافی نیست و در کنار آن باید به تغییر و اصلاح باورهای فرهنگی و الگوهای جنسیتی نیز روی آورد. اقدام مذکور، مختص اشخاص یا گروه خاصی نیست و تک تک افراد در هر اجتماعی، به نوبه خود در رفع این نابرابری‌ها و یا تشدید آنها نقش دارند. حقوق زنان، پیوندهای محکمی با مسائل پیش گفته شده دارد. بر همگان روشن است که در جوامعی که کودکان، فارغ از الزام و ملزومات پیش تعیین شده از طرف جامعه - که در عموم موارد دختران را در سطح پایین تری از پسران



### دستاورد

#### ابر شهری بی هویت



محمدحسین زینت‌ساز  
کارشناس ارشد علوم سیاسی

تهران شهر برج‌ها در کنار ویلاها، تهران شهر رویاها، تهران شهر خاکستری، تهران شهر فرنگ، تهران شهر پرهیاهو، شهر ماشین و بتن و آهن. تهران پایتخت قجرها، تهران پایتخت پهلوی‌ها، تهران پایتخت ایران اسلامی. شهری که در ابتدا با دروازه‌هایی محصور گشته بود و بلندترین ساختمانش بنای شمس‌العماره بود. تهران شهری که با برنامه‌ریزی سیاسی غربی‌ها که پان ایرانیسم را القا می‌کردند به ناسیونالیسم گروید و رضا شاه که به آلمان‌ها نزدیک شده بود شهر را به بناهایی با معماری هخامنشی و دوران قبل از اسلام توسط ژرمن‌ها مزین کرد. شهری که عجلانه همگام با نظرات محمدرضا خواست به دروازه‌های تمدن بزرگ برسد و گذر از سنت به مدرنیته را ناهمگون و سریع طی نمود و تهرانی که نمادش به برج آزادی تبدیل شد. در تحولات اوایل انقلاب تا ثبات نظام اسلامی، تهران رها گشت ولی بزرگ و بزرگ تر شد. جنگ تحمیلی توانی برای اجرای طرح‌های پایتخت نگذاشت. پس از جنگ دوران بازسازی آغاز شد. حال تهرانی داشتیم بی سروسامان، بی رویه‌پر و شهرداری تهران از هر وسیله‌ای برای رسیدن به هدف تا به امروز استفاده کرده، فروش تراکم، مجوز بدون مطالعه املاک تجاری و اداری، اجازه انبوه‌سازی در کوچه‌های تنگ، تخریب باغ‌های تهران و ... حال که به دهه چهارم انقلاب نزدیک می‌شویم تعجب آور است که چرا شهرداری به فکر هویت بخشی با فرهنگ غنی ایرانی و اسلامی در شهر نیست. هویت بخشی را می‌توان به دو طریق اعمال کرد. یکی در بناها، میادین، مجسمه‌ها و زیباسازی شهر و دیگری در لوازم و وسایل و ابزار شهری. در ابر شهر تهران هر روزه شاهد ساخت ساختمان‌های بزرگ و کوچک، خصوصی و دولتی می‌باشیم که غیر از اندکی از این بناها هیچکدام هویت خاصی ندارند. مثلاً فرودگاه امام خمینی (ره) ساخته شد و در بنای آن هیچگونه نشانی از معماری اسلامی یا ایرانی مشاهده نمی‌شود و یا ساختمان‌های وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی. برای مثال فرودگاه بزرگ دبی که چند سالی است افتتاح شده با آن عظمتش کاملاً معماری اسلامی دارد و همینطور در شهرهای دیگر. در تهران مجتمع‌های تجاری بسیاری وجود دارد و ساخته می‌شود که جز معدودی از آن‌ها، اکثراً یا معماری به شدت غربی دارند و یا عاری از هر هویتی هستند. این بی‌هویتی را می‌توان در طراحی خیابان‌ها، پل‌ها و نظایر آن نیز مشاهده کرد. مسئله دیگر که اهمیت فراوان دارد هویت‌سازی شهر با ابزار و وسایل و لوازم شهری است. برای مثال شهر لندن با اتوبوس‌ها، تاکسی‌ها و باجه‌های تلفنش شناخته می‌شود. مسئله وقتی حادث می‌شود که تهران روزگاری این هویت مانند تاکسی‌های نارنجی، اتوبوس‌های یک دست و باجه تلفن‌های زرد را داشته اما شهرداری نه تنها هویتی به تهران ننخسیده بلکه آن را بی‌هویتی تر هم کرده. حال شاهد انواع تاکسی‌ها با رنگ‌های مختلف، ون‌های زشت چینی، انواع اتوبوس‌ها با انواع رنگ‌ها و انواع باجه‌های تلفن هستیم. پارک‌هایمان نه مثل باغ‌های ایرانی است و نه کاربرد یک پارک مدرن را دارد، حتی رنگ جدول‌ها بدون مطالعه و بی‌روح می‌باشد. هنوز دیر نشده، می‌توان با استفاده از معماری ایرانی-اسلامی در بنای ساختمان‌ها، میادین و خیابان‌ها، ایستگاه‌ها و پارک‌ها و یک دست و یک رنگ کردن وسایل حمل و نقل عمومی و بازنگری در طراحی باجه‌های تلفن، تیرهای چراغ برق، میلمان شهری و مکان‌های عمومی و خدماتی، آرامش را حتی در این شهر سلوغ پرهیاهو به شهر بازگرداند.